



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز فعال در عرصه‌ی کار و فضای کارگری. این يك فرصتی است برای بنده‌ی حقیر که هر سال این توفیق را پیدا کنم که با جمع شما دقایقی بنشینیم و عرایضی عرض کنیم. مسئله‌ی کار و شأن کارگر و حد کارگر و جایگاه کارگر، هم در اسلام و هم در منطق عقلانی، مسئله‌ی بسیار مهمی است. در منطق عقلانی، اگر انسان ملاحظه کند در سلسله‌ی نیازهای حیاتی خود، حلقه‌ی مربوط به کار، يك حلقه‌ی اساسی و تعیین کننده است. یعنی اگر همه‌ی پولهای عالم را هم جمع کنند، عنصر کار و کارگر در کنار آن نباشد، همه‌ی نیازهای انسان بر زمین میماند. پول را نه میشود خورد، نه میشود پوشید، نه میشود استفاده کرد. آن چیزی که از ثروت انسانها و نعمتهای روی زمین، نیازهای انسان را تأمین میکند، عنصر کار است. کار هم متکی به کارگر است. بنابراین نقش بازوی توانا و سرپنجه‌ی ماهر و ذهن و ذوق و سلیقه‌ی کارگر در حیات انسان - چه حیات فردی اش، چه حیات اجتماعی اش - يك امر واضح عقلانی است. آن کسانی که به قشر کارگر و مجموعه‌ی کارگری بی‌توجهی و بی‌اعتنائی میکنند، در حقیقت این نقش اساسی و مهم را نمی‌بینند یا ندیده میگیرند. آن کسانی هم که کارگر را در کنار ابزار کار، مثل يك وسیله به حساب می‌آورند، همین جور. این، منطق عقلانی است و منطق کاملاً درستی است؛ لیکن بالاتر از این، منطق اسلام است. اسلام همین کاری را که ما میکنیم، سرپنجه‌ی کارگر انجام میدهد و نانی برای خود و دیگران فراهم می‌آورد، عبادت و عمل صالح میداند. یعنی مسئله‌ی کارگر و کاری که انجام میدهد، محدود و محصور نیست به زندگی این دنیا؛ بلکه خدای متعال در نقشه‌ی جامع زندگی طولانی بشر در دنیا و آخرت، برای این حقیقت، برای این پدیده - یعنی پدیده‌ی کار - يك جایگاه والائی درست کرده است. پیغمبر اکرم فرمود: «هذه يد لا تمسها النار». وقتی پیغمبر دست کارگر را گرفت و بوسید، همه تعجب کردند. حضرت فرمود: این دستی است که آتش آن را لمس نمیکند؛ این دستی است که به آتش نمیرسد. یعنی نماز شب هم که میخوانیم، قرآن هم که میخوانیم، توسل هم که به خدای متعال میکنیم، در واقع حجابهای بین خودمان و آتش را ایجاد میکنیم. کار هم که میکنیم، با همین کار، بین خودمان و آتش، ایجاد مانع و حجاب میکنیم. این خیلی چیز بالائی است، خیلی چیز مهمی است. این، نگاه اسلام است.

خب، حالا بیائیم به جامعه‌ی کارگری. من آنچه که مربوط به کشور خودمان و بخصوص مربوط به دوره‌ی انقلاب و مبارزات است، عرض میکنم. اولاً کارگرها در به ثمر رسیدن مبارزات ملت ایران، يك نقش مهمی ایفاء کردند. اگر جامعه‌ی کارگری - عمدتاً در نفت و در برخی از جاهای حساس و مهم دیگر - وارد میدان نمیشدند، مشکلاتی بر سر راه پیروزی انقلاب باقی میماند. بعد مسئله‌ی دفاع مقدس پیش آمد. قبل از دفاع مقدس، همین مسائل اوائل انقلاب پیش آمد - که خیلی از شما جوانها یا نبودید، یا یادتان نیست؛ ما از نزدیک شاهد بودیم - و کارگران و جامعه‌ی کارگری کشور نقش ایفاء کردند. خود من در روزهای بیست و يك و بیست و دوی بهمن توی یکی از همین کارخانجات نزدیک تهران در بین کارگرها بودم و از نزدیک شاهد بودم که چطور عوامل و عناصر تحریک شده‌ی چپ آن روز - یعنی کمونیستها و دنباله‌هاشان - میخواهند از يك جا يك حرکت به اصطلاح کارگری را شروع کنند و انقلاب اسلامی را تبدیل کنند به يك انقلاب کمونیستی و مارکسیستی. این کار داشت در تهران انجام میگرفت. آن که در مقابل اینها ایستاد، کارگرها بودند. البته آن کارخانه چند صد نفر بیشتر کارگر نداشت، اما آن را مبدأ کار قرار داده بودند. ما هم رفتیم آنجا در بین کارگرها، کارگرها صدای دین را صدای آشنا شناختند. آنها بنده را هم نمیشناختند - من يك طلبه‌ی معمولی بودم - اما دیدند صدای دین، صدای آشناست؛ صدای ضد دینها، صدای ناآشنا و بیگانه بود؛ برایشان منکر بود. اگر از کارگرهای آن روز آن کارخانه کسانی باشند این حرف را بشنوند و بنشینند شرح بدهند قضایای آن سه چهار شبانه‌روزی که تقریباً ما آنجا میرفتیم می‌آمدیم - ساعتها من آنجا میماندم - يك تجربه‌ی عجیب و مهمی در کشور است. کارگرها اینجوری نقش ایفاء کردند. یعنی آن کسانی که میخواستند جامعه‌ی کارگری



را در مقابل اسلام و جمهوری اسلامی علم کنند، به دست خود کارگرها سیلی و تودهنی خوردند. در طول این سالها همیشه همین جور بوده، تا امروز هم همین جور است. بعد هم قضیه‌ی دفاع مقدس و آن هشت سال و حضور وسیع و عظیم کارگران در این عرصه پیش آمد. بعد هم حضور در میدان کار بوده است. جمله‌ای در سرود این برادران عزیز بود: «عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست». این جمله، راست است. کارگر ایرانی باغیرت و باشرف، کار را پیکار خود میداند، مبارزه‌ی خود میداند. شما با کارت‌ان دارید مبارزه میکنید با آن کسانی که میخواهند کشور را به ورطه‌ی سقوط اقتصادی و رکود اقتصادی و شکست اقتصادی بکشانند. جامعه‌ی کارگری عزیز ما در سرتاسر کشور بداند؛ امروز کاری که شما انجام میدهید - کار مجدانه، کار مبتکرانه، کار مبتنی بر ذوق و سلیقه و شیوایی ذهن ایرانی - یک پیکار است، یک مبارزه است. شما با کارت‌ان دارید با دنیای استکبار مبارزه میکنید؛ این را همه باید توجه داشته باشند.

خب، آنچه در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی پیش آمد و بحمدالله در جریان است، محیط صفا و محبت و برادری بین اطراف کار است. نه اینکه کسانی نمیخواهند به کارگر ظلم کنند، نه اینکه یک جاهائی ممکن است حقوقی نادیده گرفته نشود یا نیازهای مورد توجه قرار نگیرد؛ خب، از این قبیل چیزها هست؛ لیکن سیاست نظام، سیاست مسئولان، جریان کلی حاکم بر نظام اسلامی، ایجاد همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار است؛ هم کارفرما، هم کارگر، هم مسئولین دولتی. این چیزهای که الان وزیر محترم و گرامی کار و امور اجتماعی بیان کردند، چیزهای مهمی است؛ بعضی از اینها انجام گرفته است، بعضی هم با صبر و حوصله و پشتکار و تا آنجائی که ممکن است با شتاب، باید انجام بگیرد و پیش برود. ما باید ان شاءالله به فضل الهی، جامعه‌ی کارگری مان یکی از جوامع برخوردار و بهره‌مند جامعه باشد.

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، میکنند - حالا شکست میخورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را میکنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار میکنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخشهای اقتصادی کشور در همه‌ی قسمتهای دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه‌ی مردم در این موفقیت سهیمند.

آنچه که من به جامعه‌ی کارگری سفارش میکنم، اتقان و محکم کاری است. این حدیث را من مکرر خوانده‌ام که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه». پیغمبر میفرماید: کار را محکم باید انجام داد، درست باید انجام داد؛ رحمت خدا بر چنین کسی.

ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سلیقه و بادوام در ذهن مصرف کننده‌ی ایرانی و غیر ایرانی باقی بماند. این باید همت مجموعه‌ی کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش‌نیازهای دارد. ممکن است آموزش مهارتهای لازم، دوره‌های ایجاد مهارت لازم باشد - که اینها کار دستگاه‌های دولتی و امثال دولتی است - لیکن باید هدف این باشد. کارگر ایرانی آنجائی که ذوق خود را به کار میبرد، سلیقه‌ی خود را به کار میبرد و سرپنجه‌ی ماهر خود را به کار میبرد، کار جالب و تماشائی از آب در می‌آید. این کارهای هنری آمیخته‌ای از هنر و کار که ایرانی‌ها در گذشته داشتند، امروز هم وجود دارد؛ این معنا محسوس و مشهود است. آنجائی که ذوق و هنر ایرانی به میدان می‌آید - همین کارگری که دارد کار میکند، ابتکارش، ذوقش، هنرش، محکم کاری‌اش - کار میشود جالب و ماندگار. الان خوشبختانه در تولیدات کشور محصولات زیادی هست که از مشابهات خارجی‌اش بعضی بهتر است، بعضی بمراتب بهتر است؛ هم زیباتر، هم محکمتر، هم جالبتر؛ این را ما



باید عمومیت بدهیم، در همه‌ی مواد تولیدی مان؛ چه مواد مصرفی خوراکی، چه مسائل مربوط به پوشاک، چه مسائل زندگی، چه مسائل تزئینی. در همه‌ی چیزهایی که تولید میشود، باید این را در نظر بگیریم؛ و میتوانیم. مجموعه‌ی کارگری، طراحان، مهندسان، سرمایه‌گذاران، کارگران دستی، کارگران ماشینی میتوانند این کار را انجام دهند. ما باید همتان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است. نکته‌ی دیگر که خطاب به همه‌ی مردم کشور است، مصرف کالای داخلی است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه‌ی آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته‌ی به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیر قابل مصرفی بود؛ امروز اینجوری نیست؛ امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. در عین حال یک عده‌ای خوششان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله‌ی خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی میکنیم و از نعمتهای الهی بر این کشور داریم برخوردار میشویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می‌آوریم، میریزیم توی جیب یک کارگر خارجی، به زیان یک کارگر داخلی. این معنایش این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت میکشد و جنس تولید میکند، بی‌اعتنائی میکنیم، میرویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است. در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلمهای مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.

البته مسائلی که باید مسئولین کشور ان‌شاءالله با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه‌ی سال جهاد اقتصادی است. مسئله‌ی اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله‌ی پرداختن به زیرساختهای اقتصادی در سراسر کشور، که خب، افراد صاحب‌فکری، صاحب‌نظری نشستند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله‌ی صنعت، مسئله‌ی کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه‌ها هست، مسائل مهمی است. همه‌ی اینها کارهای اساسی است و پرداختن به هر کدام از اینها جهاد فی‌سبیل‌الله است. آنچه که انسان مشاهده میکند، این است که توفیق الهی و تفضل الهی نسبت به این کشور و این ملت جوری بوده است که این موانع را یکی پس از دیگری از سر راه برخواهد داشت و پیش خواهد رفت. این پیشرفت، سرنوشت ملت ماست. تلاشی هم که دشمنان ملت ایران میکنند، خودشان را اذیت میکنند؛ بیشتر خودشان را دچار غضب الهی و خسران دنیوی و اخروی میکنند؛ به جایی هم نمیرسند.

امروز دستگاه‌های استکبار، دستگاه‌های ظلم، دستگاه‌های ضد بشر، دستگاه‌هایی که در دنیا پیش ملت‌ها رسوا شدند، همه در مقابل جمهوری اسلامی صف بسته‌اند، بلکه بتوانند به این نماد عظمت و شرف اسلامی انسانی ضربه‌ای بزنند؛ نگذارند الهامبخش به دیگران باشد. همه‌ی تلاششان را دارند میکنند، نتیجه هم این است که هیچ فایده‌ای از این تلاششان نمیگیرند. خواستند ملت ایران را منزوی کنند، بعکس شد. در این منطقه چقدر رفت و آمد کردند، چقدر نشستند، چقدر با آدمهای فاسد در منطقه نشست و برخاست کردند که بتوانند ایران را منزوی کنند. خدای متعال جوری پیش آورده که امروز ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در این منطقه، با این انقلابهای مردمی، با این سلسله‌ی قیامهای پر عظمت و پرطننه‌ی این کشورها، در صدر نگاه‌های ملت‌ها قرار گرفته و ایران بیش از همیشه بر سر زبانهاست، مورد توجه است، مورد اهتمام و احترام است؛ درست عکس آنچه که آنها میخواستند. دولت آمریکا که خود جزو محکومترین دولتها و دستگاه‌هایی است که علیه بشر و علیه حقوق بشر کار کرده است، خواست برای منزوی کردن جمهوری اسلامی اقدام کند. رئیس‌جمهور آمریکا سال گذشته در مصر سخنرانی‌ای کرد خطاب به دنیای اسلام، با حرفهای به خیال خودش پر زیور و زینتی که بتواند دل‌ها را جذب کند و بتواند آبروی از دست رفته‌ی آمریکا را در این منطقه به دست بیاورد. نتیجه چه شده است؟ امروز منفورترین دولتها در این منطقه پیش ملت‌ها، دولت آمریکاست.



طبیعت کار، همین است. اگر ملتی با نام خدا، با یاد خدا، برای خدا، در راه خدا، به سمت اهداف الهی حرکت کند، خدای متعال او را کمک میکند. امروز ملت ما بحمدالله اینجوری است. مسئولین ما، ملت ما، دولت ما زحمت میکشند، تلاش میکنند. در این کشور، در جهت اهداف الهی دارد کار میشود؛ لذا خدای متعال کمک میکند. نقطه‌ی مقابل آن، کسانی هستند که علیه بندگان خدا، علیه راه خدا، علیه اهداف الهی کار میکنند. سرنوشت آنها، سرنوشت بدی است. حالا یک چند صباحی هم جولانی میکنند. «للباطل جوله»؛ باطل یک جولانی میکند، اما این جولان سرانجامی ندارد. نتیجه‌اش همین چیزی است که الان مخالفین، دشمنان و مستکبرین دارند نگاه میکنند. به حول و قوه‌ی الهی، فردای این منطقه از امروز این منطقه بمراتب بهتر خواهد بود و ان شاءالله به برکت همت ملت‌ها و حرکت ملت‌ها در راه اسلام، تفضلات الهی بر ملت‌ها بیشتر خواهد بود.

ما از خدای متعال باید درخواست کنیم که ما را در پیمودن این راه توفیق بدهد و کمک کند که ما ان شاءالله همین نیت را، همین راه را، همین اخلاص را در تداوم حرکت خودمان دنبال کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم. ان شاءالله الطاف و توجهات حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) و دعای آن بزرگوار شامل حال ما بشود. امیدواریم خداوند متعال شهدای عزیز ما را، شهدای کارگری را در سرتاسر کشور مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد و همه‌شان را به همراه روح مطهر امام بزرگوارمان با اولیائش محشور کند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته